

حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج البلاغه با تاکید بر پاسخگویی

حسین آل کجیاف

استادیار دانشگاه پیام نور استان تهران، ایران.

حسن فرج دنیوی

دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

Donyavi_H59@yahoo.com

چکیده

پاسخگویی در دین اسلام اهمیت و جایگاهی بس والا دارد و خداوند متعال در آیات فراوانی در قرآن کریم اهمیت آن را به پیامبر و مردم گوشزد می نماید. رهبران جامعه اسلامی از جمله پیامبر بزرگ اسلام بعنوان اولین رهبر جامعه اسلامی همیشه خود را مقید به آن می دانست و همچنین گونه ها و جلوه های پاسخگویی در سخنان و سیره علی (ع) در حد اعلای آن قابل مشاهده است. امروزه این موضوع بعنوان یکی از اصول اصلی حکمرانی مطلوب در نظام بین الملل مطرح است که ما در این مقاله در پی اثبات این موضوع هستیم که آیا پاسخگویی که، به عنوان مولفه حکمرانی مطلوب از منظر نظام بین الملل مطرح می باشد در قرآن کریم و در سخنان امام علی (ع) و گزارش های تاریخی معطوف به شیوه کشور داری آن حضرت به شکلی صریح، قابل ردیابی است؟
کلید واژه ها: قرآن کریم، نهج البلاغه، حکمرانی مطلوب، پاسخگویی.

مقدمه

پاسخگویی از موضوعاتی است که با طرح موضوع حکمرانی مطلوب در عرصه نظام بین الملل در دهه های اخیر بعنوان یکی از مولفه های اصلی آن مطرح شده است و در این نظام پاسخگو بودن دولت ها و ملتها بعنوان یکی از اصول نظامهای دموکراتیک مطرح گشته است.

بر اساس آموزه های قرآن، اسلام بر پایه پاسخگویی استوار است. پاسخگویی دو جنبه دارد، فردی و اجتماعی، از جنبه فردی، خداوند اختیارات و توانمندی هایی در اختیار انسان قرار داده و اهداف مشخصی برای او تعیین کرده است که در مقابل این توانمندی ها و اهداف باید پاسخگو باشد از این پرسشگری الهی می توان نتیجه گرفت که از جنبه اجتماعی نیز وقتی مردم اختیارات و توانمندی هایی در اختیار کارگزاران خود قرار دادند و قدرت خود را به آنها تفویض کردند این مسؤولان ملزم به پاسخگویی هستند. (اخوان کاظمی، بی تا: ۶۲)

در نهج البلاغه نیز پاسخگویی دارای جایگاه عالی و پسندیده ای است که در همین راستا پاسخگویی حکومت علوی (ع) به مطالبات مردم و مسؤولیت پذیری آن در برابر پرسش های جامعه از ابعاد روشن سیره سیاسی امام علی (ع) می

باشد لذا ما در این تحقیق در پی اثبات آنیم که مولفه پاسخگویی بر خلاف تصور مطرح کنندگان ایده حکمرانی مطلوب در قرآن و سیره علی (ع) در دوران کوتاه حکومتشان در حد اعلائی آن قابل مشاهده است.

مفهوم پاسخگویی

رابطه میان نهاد قدرت و سایر نهادها همچون روابط سایر نهادها با یکدیگر از نوع تعاملی است و تاثیر و تاثرات سایر نهادها، آگاه یا ناخودآگاه نهاد قدرت را نیز تحت تاثیر قرار می دهد به نهاد قدرت هرگونه بنگریم چه آن نماینده جامعه و برگزیده آن برای تمثیت امور فرض کنیم و چه عقل برگزیده مرهوب که فراتر و والاتر از جامعه است در هر حال رابطه ای اساسی و شبه علی و معلولی میان آن با جامعه برقرار است. چنانکه بدون جامعه و مردم حکومتی معنا ندارد و بدون حکومتی مستقر و فهیم و حکیم ملت بی سامان و در مسیر فنا خواهد بود.

نگاه دینی و آموزه های اسلامی بر هر دو وجه حاکم تاکید دارد از یک سو صلاحیت حکمرانی در جامعه صرفا با حاکم عادل و عالم و فهیم است با ویژگیهایی که به تفصیل برای آن بیان می شود و از سوی دیگر بدون خواست و اراده مردم حکومتی شکل نمی گیرد و اگر هم در این حال شکل گیرد غصبی و غیرمشروع است.

پاسخگویی بعنوان یکی از مولفه های اساسی حکمرانی مطلوب یعنی مردم، اراده و خواست آنان این اصل مهم را به حاکمان تحمیل می کند اگر حکمرانان امانتداران جامعه و مردمند بنا بر این همواره باید به آنان پاسخ دهند چرا که خود چیزی از خود ندارند و هر آنچه هست صلاحیات، اختیارات و ثروت و قدرتی است که صاحب اصلی آن یعنی جامعه نزد آنان به امانت سپرده تا صرف تمثیت صحیح امور آنان نماید و تردیدی نیست که این سرمایه ها ملک شخصی حاکمان نیست و تنها در فتره ای زمانی به رسم امانت در دست آنها است و بالتبع ضامن آن و مسؤول حسن استفاده از آن هستند. دهخدا نیز در فرهنگ لغت خود مفهوم آن را به معنای موظف بودن و متعهد بودن به انجام امری می داند. (دهخدا، بی تا: ۴۴۷/۳۴)

مفهوم پاسخگویی از دیدگاه مقام معظم رهبری

پاسخگویی یک مفهوم غربی نیست، یک مفهوم اسلامی است. بعضی ها از هر چیزی که خوششان بیاید سعی می کنند آن را به گونه ای به فرآورده های افکار و مدنیت غربی منسوب کنند. "نه"، پاسخگویی یک "حقیقت اسلامی" است، این همان مسولیت است. مسولیت یعنی هر انسانی در هر مرتبه ای که است در درجه اول از خود سوال کند. ببیند رفتار و گفتار و تصمیم گیری او تحت تاثیر چه بوده... مسؤولان بلند پایه کشور، قوای سه گانه از خود رهبری تا آحاد ماموران و مدیران، همه باید پاسخگو باشند، پاسخگوی کار خود، پاسخگوی تصمیم خود، پاسخگوی سخنی که بر زبان آورده اند و تصمیمی که گرفته اند. این معنای پاسخگویی است. این یک حقیقت اسلامی است و همه باید به آن پایبند باشیم. (خامنه ای، ۱۳۸۳)

پاسخگویی از منظر قرآن کریم

از آنجا که در تاریخ فرهنگ بشری شخصیتی موثرتر، نافذتر و انقلابی انگیزتر از پیامبرگرامی (ص) و کتابی فرهنگ آفرین تر و زندگی ساز تر از قرآن نداریم. (ممتحن، ۱۳۸۹: ۲) لذا برجسته ترین امتیاز مکتب حیات بخش و انسان ساز اسلام بر دیگر مکاتب و ادیان به هم پیوستگی آموزه های آن است در دین اسلام اخلاق با سیاست، عرفان با حماسه و دنیا با آخرت پیوند دارند و این نشانه جامع نگری این دین در هدایت انسانهاست.

از دیدگاه قرآن، جهان آفرینش و به تبع آن حیات انسانی دارای حساب و کتاب دقیقی است سراسر این کتاب آسمانی سرشار از آیاتی است که بر مسؤولیت خواهی، پرسشگری و حسابرسی از انسانها تاکید کرده است و انسانها باید پاسخگوی امانتی باشند که بنا بر آیه ۷۲ سوره احزاب به آنها سپرده شده است. در این آیه مسؤولیت پذیری و در قبال آن پاسخگویی از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسؤولیت یاد شده است و علت اینکه این امانت عظیم به انسان سپرده شده این بوده که او این قابلیت را داشت و می توانست ولایت الهی را پذیرا باشد، یعنی در جاده عبودیت و کمال بسوی معبود لایزال سیر کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۷/۴۰۹)

«ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند اما انسان آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود.» (احزاب: ۷۲)

در سوره نجم آمده است که: X وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ B [هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نخواهد گرفت و برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده، ثواب و جزایی نخواهد بود.] (سوره نجم: ۳۸-۴۰) پس هر کس حامل بار خویش است و هرگز بار دیگری را بر آن اضافه نخواهد کرد، و اگر انسان بداند که معنی مسؤولیت چیست، و هر کس چگونه ناتوان و در حال فرو ریختن در روز قیامت در برابر پروردگارش می ایستد که هیچ عذر و قوتی در اختیار ندارد، از آن به خوبی آگاه می شود که چه اندازه انداختن بار مسؤولیت خویش بر دوش دیگران، به این گمان که آنان آن را حمل خواهند کرد، باطل و بی معنی است.

خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می شود که بار سنگین مسؤولیت را احدی جزء خود انسان بر دوش نمی کشد و در روز رستاخیز هر کسی مسؤول پاسخگویی به اعمال خویش است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۸/۲۲۴) در ذیل به نمونه هایی از آیاتی که در آن خداوند در قرآن کریم بر مسؤولیت و پاسخگویی افراد در زمینه های مختلف و موقعیت های مختلف اشاره دارند می پردازیم.

«هرگز بر آنچه علم و اطمینان نداری دنبال مکن که در پیشگاه حکم خدا چشم و گوش و دلها همه مسؤول اند.» (اسراء: ۳۶)

«آیا آدمی می پندارد که او را محمل از تکلیف و ثواب و عقاب گذارند؟» (قیامت: ۳۶)

«همه باید به عهد خود وفا کنید که البته در قیامت از عهد و پیمان پرسیده خواهد شد.» (اسراء: ۳۴)

«روز حساب مردم بسیار نزدیک شد و مردم سخت غافل اند و اعراض می کنند.» (انبیاء: ۱)

«بی شک کسانی که به سوی آنان رسولان را فرستادیم و هم فرستادگان را مورد پرسش قرار می دهیم.» (اعراف: ۶)

«پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان از آنچه انجام داده اند خواهیم پرسید.» (حجر: ۹۳-۹۲)

از آیات فوق چنین بر می آید که هم رهبران و هم مردم در برابر خداوند مسؤول و پاسخگو می باشند رهبران دینی در برابر آنچه که خداوند بر عهده آنها نهاده است و مردم هم در برابر خداوند و هم در برابر رهبران.

خداوند متعال درقران کریم برای رسول بعنوان بزرگترین رهبر و مردم، مسؤولیت هایی را مشخص نموده که هر یک باید پاسخگوی آن باشند. رسول مسؤول تبلیغ آیات و احکام الهی است و امت اسلامی مسؤول فهم و پذیرش دعوت الهی اند. مسؤولیت خاتم پیامبران ابلاغ آشکار است و درمقابل وظیفه مومنان است که اطاعت کنند. (حیدری اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱)

که در این باره در آیه ۵۴ سوره نور خداوند متعال می فرماید:

«بگو خدا و پیامبر را اطاعت کنید. پس اگر پشت نمودید [بدانید که] برعهده اوست آنچه تکلیف شده و برعهده شماست آنچه موظف هستید و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار ماموریتی نیست. (نور: ۵۴)

این آیه مسؤولیت و نقش رهبری و مسؤولیت امت را بیان میکند که در برابر آنچه خداوند امر کرده اطاعت کنند و در غیر اینصورت باید پاسخگو باشند.

دو سویه بودن امر پاسخگویی

یکی از وظایف کارگزاران در قبال مردم اصل پاسخگویی است. زیرا رابطه مردم با حکومت یک رابطه دو سویه است که هم مردم نسبت به حکومت وظایفی دارند و هم حکومت نسبت به مردم.

کارگزاران باید در مقابل کارها و عملکردهای خود به مردم پاسخ دهند و مردم نیز در قبال حکومت وظیفه اطاعت و فرمانبرداری و همراهی را دارند. علی (ع) می فرماید: «مردم مرا بر شما حقی است و شما را نیز بر من حقی است، بر من واجب است که از خیر خواهی برای شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت المال دارید ادا کنم. شما را تعلیم دهم تا نادان ننمایید و به شما اداب را بیاموزم تا بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیر خواهی کنید هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید.» (دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۳۴: ۳۵-۳۶)

علی (ع) حکومت را در مقابل اعمال خود به مردم پاسخگو می داند مگر در موارد حساس و استراتژیک مانند جنگ که این را حق حاکمان می داند که اخبار جنگ و شیوه ها و ترفندهای جنگی را نزد حکومت محفوظ دارد تا مبادا دشمن با آگاهی از آن سوء استفاده کند از این روست که امام علی (ع) می فرماید: «بدانید حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ، که از پوشاندن آن ناگذرانم و کاری را جز در حکم شرع بی رای زدن با شما انجام ندهم و حق شما را از موقع آن به تاخیر نیفکنم و تا آن را نرسانم وقفه ای در آن روا ندانم و همه شما را در حق

برابر دانم و چون چنین کردم نعمت دادن شما بر خداست و اطاعت من بر عهده شماست و چون شما را خواندم درنگ ندارید. در سختی درشوید اگر چنین پایدار نباشید کسی نزد من خوارتر و کج رفتارتر از شما نخواهد بود و کیفر او را سخت گردانم.

و رخصت رهایی را از من نخواهد شنود پس این دستورها را از امیران خود بگیرید و فرمان آنان را چنان که خدا کارتار را بدان سان و می دارد... بپذیرید.» (همان نامه: ۵۶۳/۵۰)

اشاره شد که حاکمان در برابر مردم مسؤول هستند و باید پاسخگوی اعمال خود باشند. نحوه پاسخگویی بسیار مهم است. گاه میتوان از طریق وزرا معاونین و غیرمستقیم به مردم پاسخ داد و گاه حاکم در میان مردم حضوری و بدون واسطه به آنها پاسخ می دهد. علاوه بر این حضور، پاسخگویی باید به موقع و مناسب و صحیح و مطابق با واقع باشد که گذر زمان می تواند از اثر پاسخگویی بکاهد و آن را بی ارزش کند و نوشدارو بعد از مرگ سهراب باشد.

از این روی علی (ع) با توجه به حساسیت پاسخگویی به هنگام می فرماید: «برخی از امور است که به ناچار خود باید مستقیماً بدان مبادرت کنی، از جمله پذیرفتن کارگزارانت که مسؤولان دفتری تو از آن ناتوانند و از جمله پاسخ گفتن به حوائج مردم، آن روز که به توعرضه می شود و معاونان از انجام آن طفره می روند، کار هر روز را همان روز به انجام برسان، که هر روز کار بخصوص دارد...» (همان نامه: ۵۸۵/۵۳)

قبول اشتباه و پاسخگویی به مردم

حکومتها به علت مشغله فراوان و دستگاه عریض و طویل اداری که دارند گاه کنترل امور برای آنها مشکل است و ممکن است افرادی در این بین با اغتنام از فرصت ها و ورائت ها به سو استفاده از موقعیت و امتیازات حکومتی دست زنند، یا در حین کار اشتباهی از سوی زمامدار رخ دهد که این امری طبیعی است. اما هنر اصلی زمامدار این است که بعد از آن که متوجه وقوع خطاها و اشتباهات در حکومت شد و کوتاهی و قصور برایش محسوس بود، شجاعانه اشتباهات را به گردن گیرد، و ضمن عذر خواهی از مردم علل کوتاهی و قصور و یا بی توجهی را به مردم توضیح دهند و مردم را با پاسخ روشن قانع سازند که قصد و عمدی در کار نبوده است و با این کار اعتماد و اطمینان افکار عمومی را نسبت به عملکرد به حکومت جلب کنند تا سو تفاهم و سو ظن های مردم نسبت به مسؤولان دفع و حل شود. (نیکو برش راد، ۱۳۸۶: ۱۳۲) بر همین اساس امام علی (ع) می فرماید: «هرگاه رعیت پندارند به آنها ستم کرده ای آنان را به عذر خود متوجه گردان و با روشنگری لازم بدگمانی شان را برطرف کن در این کار خودسازی تو و مدارا با رعیت نوعی عذر خواهی است که به وسیله آن به آرمان خویش که، پایداری آنان در حق است می توان رسید.» (دشتی، ۱۳۷۹: پیشین)

جلوه های پاسخگویی در حکومت علوی

"مسئولیت و پاسخگویی" دو مفهوم ملازم یکدیگرند. ملازمه مسؤول بودن پاسخگویی است. یکی از ویژگیهای نظام سیاسی اسلام آن است که حکومت از مقوله "امانت و مسؤولیت" است، نه "حق و امتیاز" سخن معروف امام علی (ع) به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان گواه روشن بر این واقعیت است امام (ع) در نامه ای خطاب به او می فرماید:

«همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه دار آنی تا به من بسپاری...» (همان، نامه ۵: ۴۸۵)

در این بینش دولتمردان حافظ و نگهبانان این امانت و حقوق مردم اند در این مکتب مناصب اجتماعی و سیاسی یک فرصت برای رسیدن به دنیا نیست، بلکه یک وظیفه، مسؤولیت و آزمون الهی است. (ورعی، بی تا، شماره ۳۴: ۶) بدیهی است که یکی از لوازم مسؤولیت پاسخگویی در قبال تعهد و مسؤولیتی است که برعهده انسان نهاده شده است و مسؤولیت بدون پاسخگویی معنا و مفهومی ندارد و این افتخار از آن مسلمین است که پشسویان دینی آنان در اوج قدرت خود را بعنوان مسؤول معرفی کرده و مردم را با حقوق اجتماعی و سیاسی شان آشنا می ساختند و راه نظارت بر دولتمردان را به ایشان می آموختند در این جا جلوه های پاسخگویی را در حکومت علوی از دو بعد پاسخگویی به خداوند و پاسخگویی به مردم مطرح خواهیم نمود که بیشتر پاسخگویی از جلوه دوم آن مد نظر می باشد.

پاسخگویی حاکم

درآموزه های دینی، پاسخ گویی حاکم حکومت اسلامی در دو زمینه می باشد:

۱. پاسخگویی به خداوند

یکی از نکات مهمی که امتیاز نظام سیاسی اسلام بشمار می آید آن است که دولتمردان در درجه نخست در پیشگاه خالق هستی مسؤول و مکلف اند. اگر نعمت "قدرت" در اختیار آنان نهاده شده برای آن است که در پرتو آن احکام دین خدا اجرا، جامعه اصلاح و حقوق واقعی مردم تامین شود. همه مردم در پیشگاه خداوند مسؤولند و در این میان آنان که از نعمت بیشتری برخوردارند از آن جمله دولتمردان مسؤولیت بیشتری دارند. چنین احساسی در انسان که روزی در دادگاه عدل الهی پاسخگوی اعمال و رفتار خود خواهد بود و آدمی را منضبط می کند و از تعدی به حقوق خداوند و بندگان او باز می دارد. (همان)

امام علی (ع) در تمام دوران حکومت به فکر پاسخگویی به محضر الهی بود. "الایوم الحساب" را به یاد می آورد و به نیکی می دانست خداوند "سریع الحساب" است و "اسرع الحاسبین" و کسی توان تیرئه شدن در آن دادگاه حساب رسی را جز با رحمت الهی ندارد.

ماجرای عقیل برادر امام که بیش از حق خود طلب می نمود و امام با آهن گداخته قیامت و روز پاسخگویی را به یاد وی آورد و تعهد و مسؤولیت خویش در مقابل خداوند را اینگونه برای او آشکار ساخت که کمترین خللی به تعهد خود حتی درباره نزدیک ترین کسانش وارد نخواهد کرد. (دشتی، ۱۳۷۹: پیشین، خطبه ۲۲۴)

۲. پاسخ گویی به مردم

با توجه به رویکرد جامعه شناختی نوع دوم پاسخ گویی مدنظر ما می باشد در بخشهای پیشین ملاحظه کردیم که حکومت اسلامی، حکومتی است برخوردار از پشتوانه مردمی که در آن مردم و دولتمردان از حقوق متقابلی برخوردار هستند و ویژگیهای دولت قانونمند بر آن قابل انطباق است با این زمینه نیازی نخواهد بود که برای اثبات ویژگیهایی که لازمه طبیعی چنان حکومتی هستند یعنی "پاسخگویی"، "انتقاد پذیری"، و "داشتن عملکردی شفاف" در حکومتی که در بدست گیری و اعمال قدرت برآموزهای اسلامی متکی است استدلال شود. در عین حال ذکر برخی از شواهد به روشن تر شدن این بحث کمک خواهد کرد. (میدری، ۱۳۸۳: ۴۹۸)

امام علی (ع) درنامه ای که به مالک اشتر نوشته توصیه بسیار مهمی به او میکند که نظیر آن را می توان در هنجارهایی که از سوی نظریه حکمرانی مطلوب قالب بندی شده است جستجو نمود آن جمله این است:

«اگر مردم گمان کردند که تو از مسیر حق خارج شده و ظلمی به آنان روا داشته ای آشکارا با آنان سخن بگو، دلایل درستکاری خود را به ایشان عرضه کن و با آشکار شدن در میان مردم آنان را از بدگمانی برهان.» (دشتی، ۱۳۷۹: پیشین، نامه ۵۳)

این بدان معنا است که حضور و پاسخگویی دولتمردان در مقابل مردم و افکار عمومی باید کاملاً آشکار، شفاف و همگانی باشد؛ بی هیچ مانعی. بر همین اساس است که امام علی (ع) در پیامی به نیروهای مسلح خویش چنین می نگارد «آگاه باشید! حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی هیچ سری از شما پنهان نسازم و در اموری که پیش می آید، جز حکم الهی، کاری بدون مشورت شما انجام ندهم.»

و در نامه که امام به عبدالله بن عباس کارگزار امام در بصره می نویسد می فرماید:

ابوالعباس خدایت بیامرزاد. در آنچه بر دست و زبان تو جاری می گردد و خوب باشد یا بد کار به مدارا کن که من و تو درمسئولیت کاری که انجام می دهی شریکیم. (دشتی، ۱۳۷۹: پیشین، نامه ۱۸)

امام علی (ع) اجرای عدالت را نیز در گرو پاسخگو بودن حکومت می دانست و معتقد بود که حکومت غیر پاسخگو نمی تواند مجری عدالت باشد؛ زیرا حق آزادی بیان و سوال و انتقاد از حکومت، از بدیهی ترین حقوق مردم است که تضييع آن با عدالت سازگار نیست از این رو از مردم می خواست که نه تنها همه ارکان حکومتی، بلکه حتی شخصی او را نیز مورد سوال قرار دهند و در نقد ارکان حاکمیت اهل مداهنه و سازگاری باشند و مبادا گمان کنند که اگر او را در خصوص کارهایش مورد سوال قرار دهند و یا حرف حقی را به او متذکر شوند و یا اینکه اجرای عدالت را از او بخواهند ناراحت خواهد شد. (آرایی، بی تا: ۴۳)

بنابر آنچه که گذشت پاسخگویی به مردم در حکومت علوی به شیوه های مختلف صورت می پذیرد که در ذیل به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

الف. ارتباط مستقیم با مردم

امام علی (ع) به تاسی از پیامبر (ص) در طول حیات خویش بویژه دوران حکومتش ارتباط تنگاتنگ و بی واسطه با مردم داشت و همیشه در دسترس همگان بود به گونه ای که همه بدون واسطه می توانستند مسائل و مشکلات خود را با امام (ع) در میان بگذارند و به کار گزارانش نیز سفارش می کرد هیچ گاه از دید مردم غایب نشوند و برای دسترسی مردم به آنان، امکانات و تسهیلاتی فراهم نمایند و در این رابطه در بخشی از نامه اش به مالک اشتر می نویسد:

«بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص بده که به تو نیاز دارند تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخن گوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند... پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموارکن و تنگ خوبی و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز...» (دستی، ۱۳۷۹: پیشین نامه ۵۳، ۵۷۳)

در ارتباط با ایجاد رابطه مستقیم و فراهم کردن امکانات امام (ع) باز هم در نامه دیگری به کارگزاران خود سفارش می کرد هیچگاه از دید مردم غایب نشوند و برای دسترسی مردم به آنان، امکانات و تسهیلاتی فراهم نمایند. بعنوان مثال به دستور العمل آن امام همام به قثم بن عباس فرماندار مکه می توان اشاره کرد که می فرمایند:

«در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین، آنان که پرسشهای دینی دارند با فتواها آشنایشان بگردان و ناآگاه را آموزش ده و با دانشمندان به گفتگو پرداز. جز زبانت چیز دیگری پیام رسانت با مردم و جز چهره ات دربانی وجود نداشته باشد و هیچ نیامندی را از دیدار خود محروم مگردان...»

این ارتباط مستقیم سبب می شود تا هم مدیر اطلاع درستی از امور داشته باشد و هم مردم با دیدن مدیران در جامعه احساس همدلی و قرب با مدیران داشته باشند (عباس زاده، ۱۳۸۹: ۳۰۷) چرا قطع ارتباط با مردم موجب عذاب و آتش دنیا و آخرت است و هیچ آتشی چون جدایی زمامداران و مردم، نظام سوز نیست. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۵)

ب. گزارش به مردم

امام (ع) در نخستین جنگ خود با مخالفان و توطئه گران در برابر حکومت خود، که نبرد با "ناکثین" به رهبری عایشه و طلحه و زبیر بود که به پیروزی امام و شکست ناکثین و کشته شدن طلحه و زبیر منتهی شد. امام پس از فراغت از جنگ نامه هایی به مردم مدینه و کوفه به صورت عمومی و برای برخی افراد از جمله ام هانی، خواهر خود به صورت خصوصی نوشت و آنان را از تفصیل مسائل جنگ از زمان آغاز پیمان شکنی ناکثین تا زمان شکستشان و نیز اقدامات خویش پس از تسلط دوباره بر بصره، همچنین تصمیم خود مبنی بر حرکت به سمت کوفه، آگاه کرد. (رفیعی، ۱۳۸۳: ۷۹)

ب. تاسیس مرکز پاسخگویی به سوالات و رسیدگی به شکایات

بر اساس نقل این ابی الحدید، امیر المومنین (ع) در مرکز حکومت خود برای مراجعه به مردم و طرح سوالات و شکایات خود مکان ویژه ای در نظر گرفته و نام آن را "بیت القمص" نهاده بود. مردم برای طرح خواسته ها، پرسش

ها و شکایات خود به آنجا مراجعه کرده و نامه های خود را به صندوق مخصوص می انداختند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵: ۵۱/۱۷)

ج. نقدپذیری

انتقادات سازنده و اصلاح گرایانه از رفتار و شیوه حکومتی زمامداران نقش موثری در پویایی و سالم سازی حکومت و مصون ماندن آن از انحراف و استبداد دارد بدین جهت امیرمومنان (ع) که در مکتب قرآن و دامن رسول خدا (ص) پرورش یافته بود، درحکومت خویش بر عینیت بخشیدن به آن تاکید می ورزید و می فرمود:

«هرگز گمان مبرید سخن حقی را که به من پیشنهاد داده و گفته اید بر من گران آید (یا ناراحت شوم) و نه این که بیندارید در پی بزرگ نشان دادن خویشتم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه داشتن عدالت به او برایش سنگین باشد، عمل به آن برای وی سنگین تر است. از سخن حق یا مشورت به عدالت خودداری نکنید زیرا من خویشتم را مافوق آن که اشتباه کنم نمی دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم، مگر آن که خداوند مرا حفظ کند.» (دستی، ۱۳۷۹: پیشین خطبه ۲۱۶، ۴۴۵)

امام (ع) با توجه به نقش سازنده نقد در جلوگیری از لغزشها و کژیهای مسؤولان و اصلاح امور و پیشبرد حکومت به سوی اهداف عالی، به کارگزاران خود توصیه می کرد از میان مردم افرادی را که در گفتن حق از همه صریح تر و در مساعدت و همراهی نسبت به آنچه خداوند برای اولیائش دوست نمی دارد به آنان کمک می کنند بر دیگران تقدم بدارند خواه موافق میل آنان باشند یا نه. و دراین باره به کارگزارانش سفارش می فرمود:

«برگزیده ترین مردم نزد تو باید کسی باشد که عیب تو را به تو هدیه و تو را بر نفست یاری کند.» (همان: نامه ۵۳، ۵۸۷) البته باید توجه داشت که از نظر امیرمومنان (ع)، انتقاد، زمانی سازنده است که به مخالفت و تمرد و سرپیچی از اطاعت حاکمان حق و عادل منجر نشود و گرنه انتقاد بی اساس و مغرضانه نتیجه ای جز فساد جامعه و سلب توانایی مدیران از اعمال مدیریت صحیح و رشد جامعه نخواهد داشت و خود آفتی خواهد بود.

امام (ع) اعتقاد داشت که نقد، گذشته از اینکه موجب اصلاح حاکم و حاکمیت است، وسیله ای برای رشد سیاسی و اجتماعی و دینی مردم و موجب احساس مسؤولیت بیشتر مردم و حضور قوی تر آنان در صحنه است و این امر، خود دارای فواید بی شمار و از اهداف حکومت است. بنابراین دعوت به نقد و ارزیابی عملکرد حاکمیت از سوی مردم خیر اندیش، همیشه به منظور نیاز حاکم نیست، بلکه ممکن است مقاصد دیگری مورد نظر باشد. (موسوی کاشمری، ۱۳۷۹: ۳۱۳)

در بسیاری از موارد ممکن است یرسشهایی در اذهان مردم به وجد آید و ابهاماتی پیدا شود که لازم است از ناحیه حاکم رفع ابهام شود چرا که این عدم رفع ابهام ممکن است رفته رفته از اعتماد و همدلی عامه مردم نسبت به حکومت بکاهد چرا که انتقاد سبب می شود تا آنچه مردم نسبت به حاکمیت در دل دارند بروز دهند و حاکم نیز مشکلات و تنگناها و دلایل خود را به گوش مردم برساند و این نیز از فواید مهم انتقاد است.

نتیجه

با توجه به مستندات ارائه شده در این تحقیق به روشنی میتوان دریافت که در منابع اسلامی بویژه، قرآن و نهج البلاغه مسئولیت و پاسخگویی دو مفهوم ملازم یکدیگرند ملازمه مسؤول بودن پاسخگویی است و همچنین از نظر نظام سیاسی اسلام حکومت از مقوله امانت و مسؤولیت است نه حق و امتیاز. امام علی (ع) در این باره فرمود: که حکومت امانتی است الهی برای خدمت به مردم نه وسیله ای برای ارتزاق و درآمد به همین جهت ملاک خود در واگذاری کار بر افراد را میزان مسؤولیت خواهی و پاسخگو بودن فرد در مقابل آن مسؤولیت می دانست. نکته دیگر در سیره حکومتی امام (ع) اینک ایشان پاسخگویی را تنها منحصر به لایه های میانی مدیریت جامعه منحصر نمی بیند بلکه خود را نیز بعنوان راس هرم قدرت در حکومت اسلامی پاسخگو می داند. این افتخار از آن مسلمین است که پیشوایان دینی آنان در اوج قدرت خود را بعنوان مسؤول معرفی کرده و مردم را با حقوق اجتماعی سیاسی شان آشنا می ساختند و راه نظارت بر دولتمردان را به ایشان می آموختند که این مقوله در دوره زمامداری علی (ع) با توجه به مستندات ارائه شده در اوج خود قابل مشاهده می باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آرایی، وحید. «حکمرانی خوب به مثابه آرمان نظارت و ارزیابی». سازمان بازرسی کل کشور. سال دوم. شماره ششم.

ابن ابی الحدید. (۱۴۱۵ م). شرح نهج البلاغه. ج ۱۷. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب. (۱۳۷۴ ش). مناقب آل ابی طالب. النجف الأشرف: مطبعة الحیدایة.

اخوان کاظمی، بهرام. (بی تا). «پاسخگویی و کارآمدی». فصلنامه حکومت اسلامی. شماره ۴. سال نهم.

الحر العاملی. (بی تا). رسائل الشیعه. جلد ۱۸. بی جا: بی نا.

حیدری اصفهانی، نادره. (۱۳۸۹). فصلنامه فدک. سال اول. شماره ۲. بی جا.

خامنه ای، آیت الله العظمی سید علی. پیام نوروزی در ۱/۱/۱۳۸۳

دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. بی جا: انتشارات پارسایان.

دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹). دولت آفتاب. تهران: انتشارات دریا.

دهخدا، علی اکبر. (بی تا). لغتنامه دهخدا. ج ۳۴. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رفیعی، رمضانعلی. (۱۳۸۳). «پاسخگویی در گفتار و سیره امیر المومنین (ع)». فصلنامه حصون. سال اول.

الزین، حسن. (۱۳۸۹). «ترجمه نادری مرتضی حقوق بشر در نهج البلاغه». فصلنامه پژوهش های نهج البلاغه. سال ششم. شماره ۲۹.

الطبری. (بی تا). تاریخ طبری. ج ۳. بی جا: بی نا.

عباس زاده، محسن. (۱۳۸۹). سیره مدیریتی امام علی (ع). بی جا: انتشارات بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۶۶). تفسیر نمونه. ج ۱۷ و ۱۸. بی جا: انتشارات دار الکتب الإسلامیة. ممتحن، مهدی. (۱۳۸۹). «امامت و دیدگاه قرآن و اندیشمندان». فصلنامه فدک. سال اول. شماره ۱. صص ۱۴۹-۱۶۳.

موسوی کاشمری، سید مهدی. (پاییز ۷۹). «انتقاد گری و انتقاد پذیری در حکومت علوی». فصلنامه حکومت اسلامی. شماره ۱۷. سال پنجم.

میدری، احمد. (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه تهران مرکز پژوهشهای مجلس. بی جا: بی نا.

نیکو برش راد، فرزانه. (۱۳۸۶). حکومت و عدالت اجتماعی در دوران علی. بی جا: نغمه نو اندیش.

ورعی، سید جواد. (بی تا). «دولتمردان پاسخگوی خدا و مردم». فصلنامه حکومت اسلامی. شماره ۳۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی